



الف احترام

اشتراک در شبکه‌های اجتماعی:

آدرس صفحه: <https://mav>



[1]

ابراهیم اخوی؛ روان‌شناس

لطفاً چند دقیقه روی این داستان واقعی که این روزها زیاد تکرار می‌شود، تامل کنید:

"سامان از مدرسه برگشته و حسابی ناراحت است. مادر دلیل ناراحتی‌اش را پرس و جو می‌کند و بعد از کلی کلنجار متوجه می‌شود که مشکلی در ارتباطش با معلم به وجود آمده است. معلم سامان امروز به او گفت: تو نباید این قدر توی کلاس حرف بزنی و حواس بقیه رو پرت کنی. اگر همین طور ادامه بدی، مجبورم می‌کنی ازت بخوام با پدر و مادرت بیای مدرسه!"

واکنش والدین سامان به این مسئله چه می‌تواند باشد؟

واکنش اول) معلم به چه حقی تو رو توی جمع ضایع کرده؟ من تو رو بهترین مدرسه ثبت نام کردم و کلی پول هم داریم به مدرسه می‌دیم که آب توی دل شما تکون نخوره. اصلاً قبل از اینکه معلم از تو بخواد، من خودم فردا میام مدرسه و تکلیف معلم تو رو روشن می‌کنم.

پیامدها: با این رفتار به سامان یاد داده‌ایم که تو از هر قانونی مهم‌تری و هیچ کس حق ندارد برایت قانون و شرایطی تعیین کند. وقتی سامان با این روحیه بزرگ شود، روحیه دور زدن قانون و سرپیچی از آن هم قوی‌تر خواهد شد. همچنین با خواسته با سامان آموخته‌ایم که حتی اگر ما برایت قانون گذاشتیم، می‌توانیم اعتراض کنی و آن را اجرا نکنی. یعنی سامان را برای فردای پرتلاطم آماده کرده‌ایم.

واکنش دوم) بین من و بابات به اندازه کافی کار و مشکل داریم، تو دیگه مشکل جدید به ما اضافه نکن. ما وظیفه داشتیم تو رو توی یک مدرسه خوب ثبت نام کنیم که کردیم و الان هم وظیفه داریم که شهریه‌اش رو جور کنیم که دو تایی داریم کار

می‌کنیم تا این اتفاق بیفته. هر مسئله‌ای توی مدرسه برات پیش بیاد به خودت مربوطه و دیگه هم حق نداری توی خونه اینجوری ماتم بگیری!

پیامدها: به گمان سامان، معیار والدگری تنها تامین کنندگی در مسائل مادی است و او نباید انتظار دیگری از والدین خود داشته باشد. در چنین شرایطی سامان ترجیح می‌دهد تمام مسائل مربوط به خودش را از والدین مخفی کند و به تنهایی یا به کمک دوستانش و بیشتر هم به روش‌های منفی و نادرست از پس آنها برباید. ممکن است در مقابل تهدید معلم، او هم نقشه‌ای برای شایعه‌پراکنی نسبت به معلم بکشد یا با شگردهای دیگر، جمع بیشتری را مانند خود نموده و یک تیم بسازد.

واکنش سوم) دست معلمت درد نکنه. خیال کردی معلم هم مثل من و باباست که هر کاری دلت خواست بکنی و هیچ اتفاقی نیفته. اصلا خودم زنگ می‌زنم و از معلمت تشکر می‌کنم و ازش می‌خوام اگر به این کارها ادامه دادی، تو رو از مدرسه بیرون کنه.

پیامدها: مادر با این تهدید هم اضطراب تولید کرده، هم رابطه معیوب ایجاد کرده که سامان را دچار دوگانه محبت- نفرت می‌نماید و هم از معلم یک چهره خشن و ترسناک ترسیم نموده است. در این شرایط، سامان والدین را افرادی غیرقابل اعتماد و غیرمنطقی ترجمه کرده و با رسیدن به سن نوجوانی و جوانی، رفتارهای ناهنجار زیادی را از خود بروز خواهد داد.

واکنش چهارم) چقدر شرایط بد شده. مثلاً ما تو رو توی بهترین مدرسه ثبت نام کردیم ولی اونجا هم یک معلم کار بلد نداشتن که بتونه توی این موارد عاقلانه تصمیم بگیره و راه درست رو نشونت بدم. دیگه نمیشه توی این دوره زمانه به کسی اعتماد کرد! موندم چه کنم؟

پیامدها: القای بدبینی سبب می‌شود کودک به صورت تعمیم یافته جامعه را ناامن تصور کرده و مسئولیت رفتارش را گردن دیگران بیندازد. مادر یا پدری که چنین واکنشی نشان می‌دهند، نمی‌خواهند قبول کنند که فرزندشان مشکل پذیرش موقعیت دارد و نیازمند آموزش است. آنها تنها درصد تغییر دیگران به نفع فرزندشان هستند و این پیام را به سامان مخابره می‌کنند که تو نیاز به هیچ گونه تغییری نداری، این معلم و بعدها مراجع قدرت و تصمیم‌گیری هستند که باید تغییر کنند و درک بهتری از تو داشته باشند. این واکنش هم به نوعی ناتوانی والدین در حل مسئله را نشان می‌دهد و پیام خوبی برای فرزند ندارد.

واکنش پنجم) سامان جان! معلم حق داره. زنگ تفریح رو گذاشتن برای حرف زدن و شوخی کردن تا خستگی کلاس از تن شما بیرون بره. کلاس جای حرف زدن نیست و امروز معلم بهترین قانون درس خواندن رو به تو آموزش داد. حتماً از فردا هم قانون کلاس رو رعایت کن و هم از معلمت به خاطر این تذکر خوب تشکر کن. تو هدف‌های خیلی مهمی داری و خداوند استعدادش رو هم داده، پس سعی کن توی کلاس یک دانش آموز فعال و کوشا باشی و با این کار جلب توجه کنی نه با کارهای منفی که هر کس دیگه‌ای می‌تونه انجام بده.

پیامدها: به سامان کمک کرده‌ایم تا خود اجتماعی‌اش را بهتر بشناسد. ارزشمندی قانون را یاد بگیرد و رفتار مناسب با هر موقعیت را تمرین کند. از همه اینها مهم‌تر، معلم در نگاه سامان یک فردی قوی، قانون‌گذار و شایسته احترام تعریف شده که لازم است با انجام دستورات آن، به رشد لازم برسد. استفاده از روش مقتدرانه به سامان این پیام را می‌دهد که مسئولیت صد درصد ارتباطها و رفتارهایش را بپذیرد و دیگران را به خاطر رفتارهای بد خودش سرزنش نکند. چنین فرزندانی رفتارهای اجتماعی شایسته همراه با عزت نفس بالا از خود نشان داده و می‌توانند مسیر موفقیت را با شوق فراوان و همت بلند بپیمایند.

حرف آخر) مراقب باشیم عقده‌گشایی شخصی خود را بهانه‌ای برای ترویج بی‌احترامی و آموزش‌های نادرست به کودکان نکنیم. یادمان باشد الفبای احترام، ریشه در آموزش‌های خانگی دارد و یادمان داده‌اند که آموزگاران، والدین دوم ما به شمار می‌آیند و شایسته احترام هستند.

برچسب‌ها:

[احترام، واقعی، ماوا](#) [2]

نشانی منبع: <https://mava.iki.ac.ir/node/886>

پیوندها

<https://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/1212122525252.jpg> [1] [2]

<https://mava.iki.ac.ir/tag/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%8C-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%8C-%D9%85%D8%A7%D9%88%D8%A7>